

مفهوم عدالت در قرآن کریم

مقاله ارائه شده به همایش بین المللی عدالت و مهرورزی در قرآن کریم^۱

دکتر طوبی کرمانی

عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

واقع شده است و جایی مهم برای خود دارد.^۲

نخستین نتیجه ای که از این تعریف می گیریم، این است که عدالت مبتنی بر وجود پیشینی «حق» و به آن وابسته است. دیگر آن که باید پیش از عدالت، یک «وضعیت» طبیعی یا قراردادی وجود داشته و برای هر چیزی جای مناسب آن پیش بینی شده باشد.



اشاره

عدالت در اسلام، از زیربنایی ترین مفاهیمی است که تحقق عینی آن در جامعه، یکی از مهمترین اهداف اجتماعی و سیاسی این دین ذکر شده و از طرفی، عدالت، امری تابع دین و برگرفته از آن نیست، بلکه خود مفهومی مطلق و مستقل است. به بیان دیگر، دین، مقیاس عدل نیست، بلکه عدل مقیاس دین است. در این مقاله، مفهوم عدالت در قرآن کریم مورد پژوهش قرار گرفته که تقدیم خوانندگان گرامی می شود:

تعریف عدالت در فرهنگ اسلامی

عدالت در زبان عرف به معنای احقاق حقوق و ضد ظلم است. اما اگر در معنای آن عمیق شویم، ضرورت تبیین بیشتر آن را در می یابیم. کوتاه ترین و کامل ترین تعریف عدالت را می توان در کلام حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) یافت: «العدل یضع الامور فی مواضعها»^۳ یعنی عدالت هر چیز را به جای خودش می گذارد.

بنابر این توصیف، عدالت عبارت است از آنکه هر چیز به جای واقعی خود بنشیند و به تعبیری، هر چیز، به حق خود برسد یا حق هر کس و هر چیز به وی داده شود. متکلمان مسلمان، به پیروی از این سخن امام علی (ع)، عدل را «توفیه حق الغیر واستیفاء یستحق»^۴ یعنی «حق دیگران را به آنان دادن» تعریف کرده اند و این تعریف در فرهنگ کنونی اسلامی، مورد قبول

گستره عدالت در قرآن

قرآن کریم، در موارد متفاوت و گوناگونی از عدل و عدالت سخن گفته و این مسأله را در گستره و ابعاد مختلفی، از جمله بعد فلسفی و کلامی، بعد حقوقی، بعد اجتماعی، بعد خانوادگی و... مطرح کرده و می توان گفت، قرآن از عدالت در این جهات زیر سخن به میان آورده است:

- ۱- خداوند - به عنوان یگانه وجود و برپا کننده این عالم - عادل است: «ان الله لایظلم مثقال ذرة»^۵
- ۲ - خداوند هر گونه ظلمی را مذموم دانسته و ظالمین را به عاقبتی دردناک انداز می دهد: «وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون»^۶
- ۳ - حکم و کلام خداوند بر مبنای عدل شکل گرفته است: «و تمت کلمت ربک صدقاً و عدلاً»^۷.
- ۴ - یکی از مهمترین اهداف ارسال رسل و وظایف پیامبران برقراری عدالت میان انسان هاست. در سوره شوری از زبان پیامبر اسلام (ص) چنین آمده است: «وامرت لاعدل بینکم»^۸.
- ۵ - خداوند در چندین آیه، انسان ها را به در پیش گرفتن عدالت امر می کند. از جمله در سوره نحل





می فرماید: «ان الله يأمر بالعدل والاحسان»^۶ البته باید توجه داشت که امر به عدالت، به معنای وادار کردن و مجبور کردن انسان‌ها به عدالت نیست، بلکه تشویق و ترغیب و هدایت آنان به سمت این هدف است. در یکی از آیات قرآن که بر پایی قسط و عدل از اهداف ارسال رسل ذکر شده، چنین آمده است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط»^۷.

در این آیه گفته نشده است: «لایقیم الناس بالقسط»، یعنی آنکه انسان‌ها را وادار به عدالت کند، بلکه واژه «ناس» (مردم) فاعل اقامه قسط است. معنای این مطلب آن است که مردم خودشان باید به عدالت برسند و در سایه آن، در کنار یکدیگر زندگی کنند. در حقیقت، هدف بعثت انبیا آن نیست که مردم را به زور قهر و جبر، وادار به عدالت نمایند، بلکه مستفاد چنین است که بشر در اثر رشد و تربیت به تکامل عقلانی رسد و در سایه مدرکات عقلی و تفکر، زیست اجتماعی خود را تکامل بخشد.^۸

بنابراین در قاموس قرآن و اسلام، عدالت امری است که با وجدان انسان‌ها سازگاری دارد و عقل جمعی بشر نیاز به وجود آمدن آن را در می‌یابد. در قرآن نیز بر همین اساس، برپایی آن تأکید شده است. یکی دیگر از زیباترین آیاتی که در پیش گرفتن عدالت را به انسان‌ها توصیه می‌کند، آیه هشتم سوره مائده است. پیام این آیه را بررسی می‌کنیم: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون».

بر مبنای این آیه، عدالت در رفتار، آنجایی ارزش بیشتری می‌یابد که انسان در موارد اختلافی، میل باطنی و درونی‌اش به سمتی باشد، اما حقیقت را به نفع دیگر تشخیص می‌دهد، و آن علاقه و گرایش، وی را از اجرای عدالت و برخورد منصفانه باز نمی‌دارد؛ یعنی نه بر اساس میل، بلکه بر مبنای عدالت عمل می‌کند.

نقش دین در اینگونه آیات - که در آنها به برقراری عدالت میان انسان‌ها حکم شده - یافت می‌شود و آن اصل «عدالت‌گستری» و «تشویق و سوق دادن انسان‌ها به عدالت‌گری» است. البته مشروط به

آنکه خود صاحب فعل نیز در صراط مستقیم بوده باشد و به آنچه که می‌گوید عمل کرده باشد و گرنه به فرمایش علی (ع) حق در مقام توصیف، وسیع‌ترین و در مقام انصاف و اجرا، تنگ‌ترین کارهاست. از این روست که پیامبر (ص) می‌فرماید: «من به در پیش گرفتن عدالت در میان شما امر شده‌ام» و پیامبران برای برقراری قسط و عدل میان مردم آمده‌اند؛ چرا که خود برترین الگوهای عدل و داد هستند.

۶ - عدالت از مهمترین شروط رسیدن به مقام نبوت و امامت و حتی قضاوت است: «و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما قال و من ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین».^۹
۷ - براساس آیه ۵۲ سوره انعام، بر انسان‌ها لازم است که در گفتار و سخن خویش عدالت ورزند، حتی اگر ناچار به گفتن علیه خویشاوندان خود باشند: «و اذا قلتم فاعدلوا ولو کان ذا قربی».

بنابر این عدالت در اسلام، ابعاد مختلفی دارد و امر به برقراری عدالت و رعایت عدل، جوانب گوناگونی، از جمله عدالت فردی، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت در رفتار، عدالت در هنگام داوری و گواهی دادن را در بر می‌گیرد. به گفته اندیشمندی: «عدالت شانی بالاتر از آن دارد که تنها در قواعد تشریحی و فقهی اسلامی جای گیرد، بلکه همانند روحی فراگیر و جاری در تمام زوایای اسلام و حتی اصل توحید است و از اینجاست که اهمیت اصل عدالت و پیوند آن با دیگر مفاهیم دینی اسلام آشکار می‌شود».^{۱۰}

از دیدگاه پیشوایان اسلام، عدالت در جنبه فردی، از نیازهای فردی و ضروری انسان و در جنبه اجتماعی و حکومتی به عنوان مهمترین شرط بقای یک حکومت شمرده شده است. چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «الملك یبقی مع الکفر ولایبقی مع الظلم؛ ملک و مملکت با کفر باقی می‌ماند، اما با ظلم - که ضد عدالت است - ناپایدار است».

طبق تعریفی که امام علی (ع) از عدل ارائه داده است: «العدل یضع الامور فی مواضعها»^{۱۱} در حقیقت، اگر عدالت در میان انسان‌ها رعایت شود، تمامی مسائل دیگر بشری نیز سامان می‌یابند و در



وضعیت طبیعی و بهینه خود، قرار می گیرند. امام صادق (ع)، نیز عدل را اساس احکام دانسته، انسان‌ها را به عدالت پیشه کردن فرا می خواند و می فرماید: «عدالت ورزید؛ زیرا خود شما از مردمی که عدالت نمی ورزند، عیب می گیرید».^{۱۲}

می بینیم که در این گفتارها، عدالت از آن جهتی قابل اهمیت است که نیازی بشری و لازمه سامان یافتن و قوام جامعه است و نقش دین و رهبران دینی، تشویق و سوق دادن مردم، به سمت دست یابی به این هدف والا بوده است.

البته اسلام برای اجرا و تحقق عدالت، از اصل مهم دیگری به نام صلح و آرامش و رحمت یاد کرده و می فرماید: «صلح و آرامش امری است درونی که از سوی خداوند رحیم بر انسان‌ها نازل می شود؛ سلام قولاً من رب رحیم».^{۱۳}

خلاصه آنکه، خداوند در اسلام، یکپارچه صفا و رحمت معرفی شده و حتی وجود رسول گرامی اسلام (ص) و هدف از فرستادن او، جز رحمت برای جهانیان (و نه فقط مؤمنان) نبوده است: «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین».^{۱۴}

اگر در مواردی اسلام دستور به جنگ و جهاد داده، صرفاً جهت تأمین صلح و برقراری عدالت بوده است و نه آنکه جنگ بذاته امری مطلوب و هدف بوده باشد. بالعکس، اسلام جنگ‌هایی را که طمع‌ها و منافع مادی را پدید می آورد، از قبیل جنگ‌هایی که صرفاً برای استعمار و استثمار مردم رخ می دهد، به هیچ وجه صحیح نمی داند. آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره بقره، موارد جواز قتال و شرایط آن را این گونه ذکر کرده است: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین».

بر طبق این آیه، تنها کسانی را می توان کشت که به جنگ با مسلمانان برخاسته اند و مسلمانان نیز در مقام دفاع از خود مجبور به جنگ و کشتن افراد شده اند. حتی در جهاد هم نباید ستمی روا داشت، بلکه باید جانب عدل و انصاف را رعایت کرد.

سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان نیز همین را نشان می دهد. از جمله پیامبر اکرم (ص) با افرادی که در جامعه اسلامی، به عنوان منافق شناخته شده بودند،

کاملاً مدارا کرده، مانند دیگر مسلمانان با آنان برخورد می کردند. امام علی (ع) نیز در قضیه خوارج تا پیش از غارت و تجاوز آنان نسبت به اموال مسلمین، تصمیم به جنگ با آنان نگرفته بودند و با آنان مدارا می کردند.

از سوی دیگر در جهان بینی اسلامی، اگر کسی حتی یک نفر را بدون دلیل موجه از بین ببرد، مانند آن است که همه مردم را کشته است. این مسأله نشان می دهد که اسلام برای جان تک تک انسان‌ها چه بهایی قائل است: «من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً».^{۱۵}

بنابراین، در منطق قرآن، زندگی یک تن، مساوی با زندگی همه بشریت است و هر کس یک تن را بی گناه بکشد، گویی همه را کشته است و هر کس یک تن را نجات دهد، گویی همه را نجات داده است. اسلام اهانت به انسان را، در نزد خداوند از اهانت به کعبه زشت تر می داند و انسان‌ها را به محبت ورزیدن و رفتار عادلانه به یکدیگر دعوت می کند. به فرمایش امام خمینی (ره) «همه انبیا برای ساختن بشر آمده اند و می خواهند که تمام افراد بشر در صلح و صفا، عدالت و برادری زندگی کنند».^{۱۶}

اما نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت، این است که آیا بدون عدالت، صلح ممکن است؟ آیا اگر حقوق انسان‌ها و ملت‌ها پایمال و بی عدالتی حاکم شود، قشری به چپاول گروهی دیگر مشغول و ظلم و استثمار برقرار شود، می توان از صلح و سازشی که شعار ظاهری و زبانی قدرتمندان و آرمان قلبی درماندگان است، سخن گفت؟ آیا صلح و سازش در سایه ظلم و بی عدالتی و چپاول امکان پذیر است؟ آیا رفتار دوستانه و مسالمت آمیز با مخالفان عدالت جهانی، امری پسندیده است؟

اینجاست که تفاوت دیدگاه‌های سکولار و دینی درباره عدالت آشکار می شود. دیدگاهی که الهی باشد - با هر گرایش مذهبی - هیچگاه نمی تواند ظلم و بی عدالتی را تحمل کند و با حامیان آن از در صلح و سازش درآید. آیا غیر از این است که این عمل، یعنی سازش و مسامحه در برابر متجاوزان و زورگویان، آنان را جری تر کرده و تشویق به ظلم بیشتر می کند؟ این گفته قریب به مضمون سخن امام



علی (ع) است که من از مظلوم بیشتر متنفرترم تا از ظالم؛ چرا که سکوت مظلوم است که ظالم را بر ظلمش شقی تر و جری تر می کند.

بر همین مناسبت که خداوند، در جای جای حیات انسانی، در روابط فردی، اجتماعی، انسانی و حکومتی، به استقرار عدالت - که سر منشأ آن از سوی خودش است - اشاره کرده و آن را بزرگ ترین امانت الهی در میان انسان ها می داند: «ان الله یا امرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظکم به...»^{۱۹} در حج نیز که سمبل زندگی سالم انسانی، مظهر قیامت و کنگره بزرگ اسلامی برای آموزش تفاهم، تعامل، همدلی است، قرآن از عدالت سخن می گوید: «یحکم به ذوا عدل منکم...»^{۲۰}

در آیه زیر، عدالت در شهادت، حتی به گاه مرگ نیز مغفول عنه واقع نشده و به نوعی عدالت، سبب ثبات اقتصادی و امنیت مالی و محمل وصول به حق، اعلام شده است؛ اگرچه ابتدای آیه خطاب به مؤمنین است: «حین الوصیة ائنان ذوا عدل منکم...»^{۲۱}

مثال زیبای قرآن برای بیان عظمت عدالت و آمران به عدل، بسیار ظریف و مهم است: «... هل یستوی هو و من یا امر بالعدل و هو علی صراط مستقیم»^{۲۲} همچنین، طبق آیات قرآن، اولین آمر و اولین عامل به عدالت، خود خداوند است: «ان الله یا امر بالعدل و الاحسان... یعظکم لعلکم تذكرون»^{۲۳} چنانکه، در کلام الهی، صلح و اصلاح، نتیجه عدالت گستره معرفی می شود: «فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا»^{۲۴}

و کلام آخر اینکه، طبق آموزه های قرآن کریم، صلح و آرامش حقیقی و عدالت گستره، آن است که از سوی خداوند بر انسان فرود می آید؛ در حقیقت اگر آدمی در درون خود به آرامش و صفای معنوی دست یافته باشد، قطعاً در روابط اجتماعی خود نیز همین امر را بروز می دهد و اگر بالعکس بویی از صلح و آرامش معنوی و عدالت محوری و مهرورزی نبرده باشد، در اجتماع نیز کم و بیش منعکس کننده همان درگیری ها و ظلمات درونی خواهد بود. این است که اساس تعلیم انبیا و ادیان و اصل هدف نزول

قرآن، ابتدا تربیت فرد فرد انسان هاست؛ چرا که اگر تک تک انسان ها اصلاح شوند، جامعه نیز خود به خود اصلاح خواهد شد.

پی نوشت ها:

- ۱ - این همایش روز دوشنبه ۲۵ مهرماه سال جاری در سالن اجتماعات سیزدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم برگزار شده است.
- ۲ - نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.
- ۳ - خامنه ای، سید محمد، «ریشه ها و مفهوم عدالت در فقه و حقوق اسلام»، ارائه شده در اجلاس «عدالت در روابط بین الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی»، اسفندماه ۱۳۷۴.
- ۴ - نساء/ ۴۰.
- ۵ - شعراء/ ۲۲۷.
- ۶ - انعام/ ۱۱۵.
- ۷ - شوری/ ۱۵.
- ۸ - نحل/ ۹۰.
- ۹ - حدید/ ۲۵.
- ۱۰ - محقق داماد، سیدمصطفی، «حقوق بشر جهان را به صلح و معنویت فرامی خواند»، روزنامه ایران، ۱۰ تیرماه ۱۳۸۰.
- ۱۱ - بقره/ ۱۲۴.
- ۱۲ - آل نجف، عبدالکریم، «العدل فی القرآن الکریم»، مجله «التوحید»، ص ۱۲۰، ۲۰۰۳ م.
- ۱۳ - نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.
- ۱۴ - اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۷.
- ۱۵ - یس/ ۵۸.
- ۱۶ - انبیاء/ ۱۰۷.
- ۱۷ - مائده/ ۳۲.
- ۱۸ - سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع کشیش های مسیحی، ۱۳۵۸/۱۰/۷.
- ۱۹ - نساء/ ۵۸.
- ۲۰ - مائده/ ۹۵.
- ۲۱ - مائده/ ۱۰۶.
- ۲۲ - نحل/ ۷۶.
- ۲۳ - نحل/ ۹۰.
- ۲۴ - حجرات/ ۹.

